

مهاجر و انصار مجعی داشتند پیش رسول صلی الله علیه و سلم آمدند
و استعدا کردند که فاطمه نیز رضی الله عنها در آن مجمع حاضرند حضرت
فاطمه رضی الله عنها بواسطه آن که ویرا هاجد که مناسبت آن مجلس
باشد نبود در رفتن تعللی نمود رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
که برو طریقه ما نآیت کسی را نومیید که در اینم فاطمه رضی الله عنها
با تشویق تمام در آن مجمع حاضر آید و چون بجز خود باز نشست اطفا
ملات نمود رسول صلی الله علیه و سلم فرمود تا یکی از زنان آن
مجمع را طلب داشتند و از وی حال آن مجمع را پرسیدند گفت چو
حضرت فاطمه بان مجمع درآمد حاضران در جاهای فاجه که بودند
بود چیران مانند و با یکدیگر گفتند یارب این جنسهای تشریف را
کجا یافته اند و از کی آورده اند فاطمه رضی الله عنها گفت یا رسول
الله چه این را بمن نمودی تا من نیز نشان دمان شدی رسول صلی
الله علیه و سلم فرمود که نه باینی آن در آن بود که در تو پوشیده
بودند و از تو پوشیده که آنرا نمی دیدی **و از آنجمله آنست**
که درین آبی بود که هر که از آن آب بخوردی البته بخردی رسول صلی الله
علیه و سلم بان آب پیغام فرستاد که مردمان مسلمان شدند تا من نیز
مسلمان شوم آن آب مسلمان شد و دیگر هر کس از آن آب می خورد
ویرا تیب می گرفت تا نانی رود **و از آنجمله آنست** که یکی از اصحاب
کوید که بمدینه آمد و ایمان آورد و مجلس رسول صلی الله علیه و سلم

بیچ مفارقت نمی کردم رسول صلی الله علیه و سلم میان شام و خفتی
بیرون آمد و ما را احکام اسلام می آموخت یک شب رعد و برق
پیدا آمد و هوا بسیار تاریک شد و ما را آن عظیم در ایستاد گفتیم
یا رسول الله ما چون بمنزلهای خود خواهیم رفت فرمود که شما را
بمنزلهای شما رسانم نمی آنکه شما را از ما را آن آسیمی پس چون نماز
کنار دیدم فرمود که بر بنشینید همه را شستم و از مسجد بیرون آمدم دنیا
تاریک بود و از آسمان باران می ریخت فرمود که بروید بر قیام هر کدام
از ما بمنزل خود رسیدند که جاهای ایشان را هیچ باران نرسید
و از آنجمله آنست که ابن عباس رضی الله عنهما کوید که بود بی
بود صاحب جمال و بسیار مجلس رسول صلی الله علیه و سلم می آمد یک
روز رسول صلی الله علیه و سلم ویرا گفت در بیخی دارم که باین جاه
بآتش دوزخ بسوزی وی گفت که من دین خود را نمی گزارم برای
فریخی دیگر روز دیگر مجلس رسول صلی الله علیه و سلم حاضر آمد رسول
صلی الله علیه و سلم این آیت می خواند که و هر عین کا شال الله لک لکن
یهودی گفت یا رسول الله خصم می شوی کسی رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود که بهنقتاد هر ضام می شوم یهودی اسلام آورد و اسلام
وی نیکو شد چون وفات یافت رسول صلی الله علیه و سلم بروی نماز
کنار و چون ویرا در قبر می نهادند بگردی فرود آمد و در آنجا ایستاد
بماند بعد از آن بیرون آمد و همین مبارک وی خرق کرد بود ویرا این

Copyrighted by University